( 236 )

هو الابهی

ای ورقۀ مهتزه از نفحات ریاض آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید دلیل ثبوت بود و برهان رسوخ ولی این ثبوت و رسوخ باید مؤید و مشفع برضاء باشد رضای اینعبد بهاء از شما وقتی کامل گردد که ناطق بعبودیت محضه من در آستان جمال ابهی گردی و دلائل و براهین اقامه نمائی و فریاد یا عبدالبهاء و یا رقیق البهآء برآری بجمال مقدسش قسم است که هیچ نامی و ندائی در مذاق روح و جان چون این نام شیرین و پر حلاوت نه من عبد بهایم تو نیز امة البهآء باش و از خدا بخواه و دعا کن که هر دو بخدمت موفق گردیم اینست عزت ابدیه اینست مفخرت سرمدیه اینست اکلیل اعظم اینست تاج سر هر ملک الملوک معظم چه مقامی اعظم از عبودیت آستانش جوئیم و چه شأنی اکبر از بندگی درگاهش خواهیم تا توانی در این بکوش و بجوش و بخروش این میثاق میثاق عبودیت است و این عهد عهد بندگی حضرت احدیت باری اذن حضور داری ولی در بین راه باید عبودیت این عبد را ناطق گردی و کل امآء را از این نفحه معطره مشام معنبر نمائی تا نظر عنایت در حق تو کامل گردد و تأیید ملکوت را از هر جهت مشاهده نمائی حال آنچه من میگویم بکن و ملاحظه تأیید نما جناب آقا سید صادق را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید (ع ع)

فی الحقیقه در امور جناب آقا میرزا جلال بازماندگان حضرت سلطان الشهداء خیلی زحمت کشیدید بسیار همت نمودید البته این خدمت در درگاه الهی مقبول است

(ع ع)